



۴۹ نکته‌ی تربیتی
از داستان حضرت نوح
(علیه السلام)

کشتی در امواجی چون کوه

ناصر نادری

اشاره

نوح از پیامبران اولوالعزم و بزرگ الهی و نیز از قدیمی‌ترین آن‌ها پس از حضرت آدم و حضرت ادریس است. نام وی چهل و سه بار در قرآن کریم و در سوره‌های مؤمنون، فرقان، شعراء، عنکبوت، احزاب، صافات، صاد، غافر، شورا، قاف، ذاریات، نجم، قمر، حدید، تحریم و نوح آمده است. داستان نوح داستانی پر فراز و نشیب و مملو از درس‌ها و نکته‌های عمیق و ظریف تربیتی است که در این شماره به گوشه‌هایی از آن‌ها می‌پردازیم. همراه ما باشید!

فرازهای مهم داستان حضرت نوح(ع) در قرآن کریم

۱ بت پرستی قوم نوح و تهدید مردم به آمدن عذاب الهی

۲ ناامیدی نوح و نفرین قوم خود

۳ آمدن فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی بزرگ و آموختن نحوه

ساختن کشتی توسط فرشته‌ی خدا؛ جبرئیل

۴ تمسخر قوم نوح برای ساختن کشتی در وسط دشت و خشکی

۵ آغاز نزول عذاب و شروع طوفان و جوشیدن آب از تنوری

۶ سوار شدن نوح و خانواده‌اش و از هر حیوان جفتی در کشتی

۷ غرق شدن قوم نوح و پسرش

۸ فرود آمدن کشتی نوح بر کوه جودی

نکته‌های تربیتی

«نوح را به قومش به رسالت فرستادیم. گفت: ای قوم من! الله را

بپرستید. شما را خدایی جز او نیست. من از عذاب روزی بزرگ بر

شما بیمناکم. مهتران و سران قومش گفتند: «تو را به آشکارا در

گمراهی می‌بینیم.» (اعراف/ ۵۹ و ۶۰)

۱ توحید و خداپرستی نخستین دعوت پیامبران خدا و اصل

مشترک همه‌ی ادیان الهی است. (الله را پرستید.)

۲ پیامبران همچون معلمان دلسوز بشریت بودند. (ای قوم من!...

من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم.)

۳ اغلب مخالفان پیامبران از ثروتمندان و اشراف بودند. (مهتران و

سران قومش گفتند.)

۴ یکی از شیوه‌های دشمنان پیامبران تهمت زدن و توهین بوده

است. (تو را به آشکارا در گمراهی می‌بینیم.)

۵ گفت: ای قوم من! گمراهی را در من راهی نیست. من

پیامبری از جانب پروردگار جهانیانم. پیام‌های پروردگارم را به

شما می‌رسانم و شما را اندرز می‌دهم و از خدا آن می‌دانم که شما

نمی‌دانید (اعراف/ ۶۱ و ۶۲)

۶ همه‌ی هستی یک ربّ (پروردگار) دارد. (پروردگار جهانیانم.)

۷ در برابر توهین نادانان، باید شکبیا بود و سخن زشت را به نرمی

پاسخ داد. (گمراهی را در من راهی نیست.)

۸ پیامبران هم خیرخواه و دلسوز بودند و هم باسواد و آگاه.

بنابراین، در مسیر هدایت، هم به جنبه‌های عاطفی توجه داشتند و

هم به ظرفیت‌های علمی و شناختی مخاطبان خود. (شما را اندرز

می‌دهم و از خدا آن می‌دانم که شما نمی‌دانید.)

۹ شعاع درک پیامبران از سطح فهم بشر بالاتر است. (آن می‌دانم

که شما نمی‌دانید.)

۱۰ آیا از اینکه بر مردی از خودتان از جانب پروردگارتان وحی نازل

شده است تا شما را بیم دهد و پرهیزکاری کنید و کاری کند که مورد

رحمت قرار گیرید، به شگفت آمده‌اید؟» (اعراف/ ۶۳)

۱ هدف نهایی وحی الهی تربیت انسان است. (پروردگارتان)

۲ گاهی هم‌زمانی و هم‌عصر و هم‌دوره بودن با کسی، مانع پذیرش

حق و منطق می‌شود. (بر مردی از خودتان از جانب پروردگارتان

وحی نازل شده است. به شگفت آمده‌اید؟)

۳ فلسفه‌ی رسالت پیامبران هشدار و توجه دادن، مصونیت و

پرهیزکاری و دریافت لطف و رحمت خداست. (تا شما را بیم دهد و

پرهیزکاری کنید و کاری کند که مورد رحمت قرار گیرید.)

۴ پرهیزکاری زمینه‌ی نزول رحمت خداست. (پرهیزکاری کنید

که مورد رحمت قرار گیرید.)

۵ «پس تکذیبش کردند و ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند،

نجات بخشیدیم و آنان را که نشانه‌های ما را دروغ می‌پنداشتند، غرق

کردیم؛ زیرا مردمی بی‌بصیرت بودند» (اعراف/ ۶۴).

۶ ایمان به خدا باعث نجات، و تکذیب آن زمینه‌ی نابودی و

هلاکت است. (نجات بخشیدیم... غرق کردیم.)

۷ کوردلی و بی‌بصیرتی باعث تکذیب دعوت پیامبران می‌شود.

(آنان را که نشانه‌های ما را دروغ می‌پنداشتند، غرق کردیم.)

۸ «و به نوح وحی رسید که از قوم تو جز آن گروه که ایمان آورده‌اند،

دیگر ایمان نخواهند آورد. از کردار آنان اندوهگین نباش» (هود/ ۳۷).

۹ انسان به مرحله‌ای از سقوط می‌رسد که امیدی برای نجاتش

نیست (دیگر ایمان نخواهند آورد)

۱۰ در مسیر تربیت نباید انتظار داشت که همه‌ی اهداف تحقق یابد

(دیگر ایمان نخواهند آورد.)

۱۱ دلسوزی و تأسّف خوردن برای گمراهی افراد لجوج منطقی

نیست و در تربیت، قابلیت متربی هم نقش اساسی دارد. (از کردار

آنان اندوهگین نباش.)

۱۲ «کشتی را زیر نظر و الهام ما بساز و درباره‌ی این ستمکاران با من

سخن نگو که همه غرق شدنی هستند» (هود/ ۳۷).

۱۳ اراده‌ی خدا هم با ابزار طبیعی شکل می‌گیرد. (کشتی را زیر

نظر و الهام ما بساز.)

۱۴ در تربیت، فقط موعظه و پند کارساز نیست، باید به ابزار تربیت

هم اندیشید. (ساختن کشتی)

۱۵ ابتکارهای بشری ناشی از الهام الهی است. (کشتی را زیر نظر

و با الهام ما بساز.)

۱۶ در مسیر تربیت، باید زمینه‌ی نجات بی‌گناهان را فراهم ساخت. (و

درباره‌ی این ستمکاران با من سخن نگو که همه غرق شدنی هستند.)

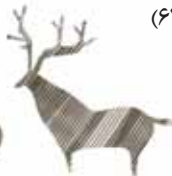
۱۷ «نوح کشتی می‌ساخت و هر بار که اشراف و مهتران قومش بر

او می‌گذشتند، مسخره‌اش می‌کردند. گفت: «اگر شما ما را مسخره

می‌کنید، ما نیز حتماً مانند شما مسخره‌تان خواهیم کرد» (هود/ ۳۸).

۱۸ وقتی کسی منطق و استدلال نداشته باشد، مسخره و استهزا

می‌کند. (مسخره‌اش می‌کردند.)



■ در تربیت نباید از عوامل محیطی بازدارنده هراسید. (کشتی می‌ساخت... مسخره‌اش می‌کردند.)

■ در برابر عوامل بازدارنده‌ی تربیت نباید بی‌تفاوت بود؛ تمسخر در برابر تمسخر. (اگر شما ما را مسخره می‌کنید، ما نیز حتماً مانند شما مسخره‌تان خواهیم کرد.)

■ «به زودی خواهید دانست که عذاب بر چه کسی خواهد آمد و خوارش خواهد ساخت و عذاب جاودانه بر چه کسی فرود می‌آید» (هود/ ۳۹).

■ با انذار و تهدید، شیرینی استهزای کافران گرفته می‌شود. (به‌زودی خواهید دانست.)

■ عذاب‌های اخروی برای کافران تمسخرکننده بی‌پایان است. (عذاب جاودانه)

■ «چون فرمان ما آمد و تنور جوشید، [به نوح] گفتیم: «از هر نر و ماده، دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان، مگر آن کس را که حکم درباره‌اش از پیش صادر شده باشد، و نیز آن‌هایی را که به تو ایمان آورده‌اند؛ و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند» (هود/ ۴۰).

■ خداوند هم سبب‌ساز است و هم سبب‌سوز. تنور آتش را محل فوران آب قرار می‌دهد، همان‌طور که آتش را بر ابراهیم (ع) گلستان ساخت. آب را که مایه‌ی زندگی است، باعث نابودی کافران می‌گرداند. (و تنور جوشید.)

■ باید طبیعت و موجودات زنده را حفظ کرد. (از هر نر و ماده، دو تا... در کشتی بنشان.)

■ در تربیت، معیار ارزش انسان در معنویت است نه روابط فAMILI. پسر نوح حق سوار شدن بر کشتی را ندارد. (مگر آن کس را که حکم درباره‌اش از پیش صادر شده باشد.)

■ «گفت: بر آن سوار شوید که به نام خدا به راه افتد و به نام خدا بایستد، زیرا پروردگار من آمرزنده و مهربان است.»

■ در آغاز هر کار، نام خدا به آن کار رنگ خدایی می‌دهد. (به نام خدا به راه افتد و به نام خدا بایستد.)

■ حرکت و توقف هر دو با یاری خداست. (به راه افتد... بایستد.)
■ استفاده از ابزار (کشتی)، همراه با توکل به خدا، عامل نجات است. (سوار شوید... به نام خدا)

■ نجات انسان ناشی از ربوبیت، مغفرت و رحمت خداست. (بر آن سوار شوید... پروردگار من آمرزنده و مهربان است.)

■ «کشتی آنان را در میان امواجی چون کوه می‌برد. نوح، پسرش را که در گوشه‌ای ایستاده بود، ندا داد: ای پسر! با ما سوار شو و با کافران نباش» (هود/ ۴۲).

■ اگر اهل نجات هم باشی، دشواری‌ها در مسیر هدایت وجود خواهد داشت. (در میان امواجی چون کوه)

■ تا آخرین لحظه در اندیشه‌ی دیگران باید بود؛ اگر چه کافر باشند. (ندا داد: ای پسر!)

■ گوشه‌گیری و عزلت‌نشینی موجب رستگاری و نجات نمی‌شود. (در گوشه‌ای ایستاده بود.)

■ والدین نسبت به سرنوشته فرزندان خود مسئول‌اند (ای پسر! با ما سوار شو).

■ اگر آدمی با بدان باشد، حتی اگر فرزند پیامبر باشد، از مسیر حق طلبی فاصله می‌گیرد. (با کافران نباش.)

■ علاوه بر سلامت محیط خانواده، باید محیط جامعه نیز سالم باشد. (با کافران نباش.)

■ «گفت: من بر سر کوهی که مرا از آب نگه دارد، جا خواهم گرفت. گفت: امروز هیچ نگهدارنده‌ای از فرمان خدا نیست، مگر کسی که بر او رحم آورد. ناگهان موج میان آن دو حائل گشت و او از غرق‌شدگان بود» (هود/ ۴۳).

■ در هنگام خطر، خداپرستان به خدا و مشرکان به غیر خدا پناه می‌برند. (من بر سر کوهی که مرا از آب نگه دارد، جا خواهم گرفت.)
■ اگر انسان کافر شود، غرق می‌شود. (او از غرق‌شدگان بود.)

■ در هنگام فرود آمدن عذاب الهی، پیوند خانوادگی به تنهایی تأثیری ندارد. باید خود فرد، اهل نجات باشد. (ناگهان موج میان آن دو حائل گشت و او از غرق‌شدگان بود.)

■ «و گفته شد: ای زمین! آب خود فرو بر و ای آسمان! باز ایست. آب فرو شد و کار به پایان آمد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و ندا آمد که ای لعنت باد بر مردم ستمکار!» (هود/ ۴۴).

■ پدیده‌های طبیعی دارای شعورند و مخاطب خدا و مطیع دستور او هستند. (ای زمین... ای آسمان)

■ پس از نابود شدن هم باید ظالم را نفرین کرد. (و ندا آمد که ای لعنت باد بر مردم ستمکار!)

■ «نوح پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من! یسرم از خاندان من بود. وعده‌ی تو حق است و نیرومندترین حکم‌کنندگان تو هستی» (هود/ ۴۵).

■ در هنگام دعا و سخن گفتن با خدا باید ادب را رعایت کرد. (نیرومندترین حکم‌کنندگان تو هستی.)

■ اگر یاری حق نباشد، پیامبران خدا نیز در یافتن مصادیق دچار اشتباه می‌شوند. (یسرم از خاندان من بود.)

■ «گفت: ای نوح! او از خاندان تو نیست. او [دارای] عملی ناشایست است. پس چیزی از سر ناآگاهی از من نخواه. بر حذر می‌دارم تو را که از مردم نادان نباشی» (هود/ ۴۶).

■ مزیت دینی و اخلاقی بالاتر از مزیت خانوادگی و خویشاوندی است. (او از خاندان تو نیست.)

■ انسان‌های خوب نیز به موعظه‌ی الهی نیازمندند. (بر حذر می‌دارم تو را...)

■ باید از کارهای جاهلانه پرهیز کرد. (بر حذر می‌دارم تو را که از مردم نادان نباشی.)

